

«دنیای هوادار»  
«۱۵ تیر» جشن خام خواری  
راگرمی می دارد

واکوی واقعه گوهرشاد با تکیه بر پیشینه غرب باوری

مدرنیزاسیون،  
پروژه یا پروسه؟

صفحه ۲

«دنیای هوادار» بررسی می کند؛

وسوسه ای برای  
صلح کارتازی!

صفحه ۵۰۴

نقدی بر فیلم «یک زندگی پنهان» اثر «ترنس مالیک»؛

تخطئه در کلوزآپ،  
سفسطه بالانگشات

صفحه ۶

«دنیای هوادار» از معضلات شهری و فرهنگی محله اوقافی های کرج گزارش می دهد؛

## به خودمان اعتماد کنیم، نه مسئولان

صفحه ۳



«دنیای هوادار» بررسی می کند؛

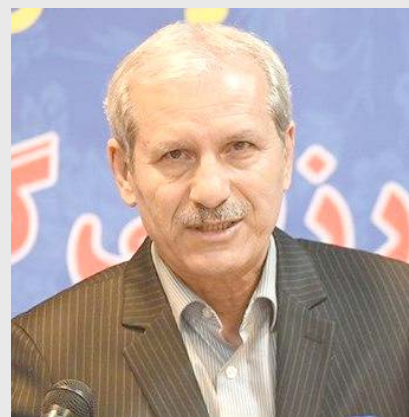
کمیته تدوین مقررات یا کمیته  
کی پی پیست؟!

شما اگر بخواهید یک بازار روز تره بار را مدیریت کنید یقیناً برای هر غرفه دنبال افراد خبره همان محصولی که می خواهد ارائه کند می روید. بازار روز شهرداری محل ما مثل همه جا شامل بخش میوه، سیفی جات، سیب زمینی و پیاز، مرغ و گوشت، لبنیات و سبزی، کاهو و کرفس است!

اگر سبزی فروش را یک روز به قصابی منتقل کنید و قصاب را به میوه فروشی ضمن اینکه آن روز بیشترین ضرر را به شما خواهد زد چنان داد مردم در آید که به تعطیلی غرفه ها منجر شود. حتی گفتمان قصاب و سبزی فروش با مردم متفاوت است و هر کدام ادبیات خاص خود را دارند؛ مثلاً یک قصاب هرچقدر هم باهوش باشد در غرفه سیفی جات اگر مجبور شود یک روز فعالیت کند مدام دنبال ساطور می گردد و اگر چغندر روی میزش باشد با ساطور چند تکه می کند!

این را مثال زدم که جزو ساده ترین مشاغل جامعه است. با این وجود، افراد هر غرفه باید تخصص اولیه محصولات مورد نظر را داشته باشند. روز جمعه که «هوشنگ نصیرزاده» پرده از افتتاح کمیته تدوین مقررات یا حقوقی فدراسیون فوتبال برداشت و گفت که دوستان با آن همه ادعا اساسنامه فدراسیون فوتبال کویت را گرفته و با تغییر چند اسم و کلمه همان صفحات را تحت عنوان اساسنامه فدراسیون فوتبال ایران به فیفا ارسال کرده اند، ابتدا تصور کردیم به طنز می گوید چون جناب نصیرزاده گاهی از زبان طنز برای بیان نظراتش استفاده می کند. البته کویت دوستان در کمیته پیست ید طولایی دارند...

ادامه در صفحه ۸



دیدگاه

واکاوی واقعه گوه‌رشاد با تکیه بر پیشینه غرب باوری

# مدرنیزاسیون، پروژه یا پروسه؟



رویارویی تمدن غرب و ایران در زمان قاجار، متفکرین را به کنکاش در اصول توسعه غرب واداشت. لذا گرایش به مبانی غرب در ابتدا با هدف برون رفت از افول جامعه مطرح و با تشدید وامگیری از این مبانی به معضل تبدیل شد. در بحبوحه جنگ ایران و روسیه «عباس میرزا»-نایب السلطنه- «موسیو ژوبر»-نماینده ناپلئون- را در قره چمن به حضور می پذیرد. فرمانده کل قوای ایران (عباس میرزا) به جای صحبت در رابطه با اقلام مورد نیاز قشون، فاصله تمدن غرب و ایران را مطرح کرده و به مسیو ژوبر می گوید: «نمی دانم این قدرتی که شما اروپایی ها را بر ما مسلط کرده چیست که موجب ضعف ما و ترقی شما شده؟ شما در قشون، جنگیدن، فتح کردن و به کار بردن تمام قواء عقلیه متبحرید و حال آنکه ما در جهل و شغب غوطه ور و به ندرت آتیه را مد نظر می گیریم. مگر جمعیت و حاصلخیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا آفتاب که قبل از رسیدن به شما به ما می تابد تاثیرات مفیدش در سر ما کمتر است؟ یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است خواسته شما را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی کنم، اجنبی حرف بزن! بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هوشیار نمایم؟» (زیباکلام، صادق، ۱۳۸۶). ما چگونه ما شدیم، چ ۱۸، تهران، روزنه، ص ۲۷). آگاهی از عقب ماندگی و خروج از آن، دو مسئله مجزا است. عباس میرزا شکاف موجود میان تمدن غرب و ایران را فهم کرده و با بهره گیری از مستشاران غربی در مسیر رفع این معضل گام برداشت. واکنش جامعه سنتگرا و خست دول غرب در آموزش، روند توسعه ایران را کند کرد. این واکنش ها گاهی منطقی و گاه بی پایه و اساس بود. «تورج اتابکی» در کتاب «تجدد آمرانه» در این خصوص می نویسد:

«در ایران برخی از علما با رواج پوتین از سوی عباس میرزا، که مسح پا را هنگام وضو گرفتن دشوار می ساخت، مخالفت کردند.» (اتابکی، تورج، ۱۳۹۱). ترجمه مهدی حقیقت خواه، چ ۳، تهران: ققنوس، ص ۱۸۴)

پس از عباس میرزا تنی چند از صاحب منصبان مانند «امیرکبیر» و روشنفکرانی مانند «فتحعلی آخوندزاده» و «تقی زاده» این هدف را دنبال کردند. فتحعلی آخوندزاده با تاثیر از تغییر الفبا در ترکیه، ناکارآمدی الفبا در ایران را علت عدم توسعه می دانست. او می نویسد: «یکی از آثار شوم غلبه تازیان وحشی بر مرز و بوم ایران این است که خطی را بر گردن ما بسته اند که به واسطه آن تحصیل سواد متعارف هم برای ما دشوارترین اعمال است.» (ادمیت، فریدون، ۱۳۴۹). اندیشه فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی، ص ۷۴). «ملکم خان» در رابطه با تغییر خط عثمانی در روزنامه حریت می نویسد:

«اصول تعلیم و تربیت ملل مسلمان خراب است. بدون اصلاح خط تعلیم و تربیت ما اصلاح پذیر نیست نقص الفبای عربی منشا فقر و ناتوانی و عقب ماندگی فکری و استبداد سیاسی سرزمین اسلام است» (ادمیت، فریدون، ۱۳۴۹). اندیشه فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی، ص ۹۳)

با تأسیس پهلوی و انقراض قاجار، رضاشاه درصد احیای ایران باستان و اسلام زدایی برآمد. او با بهره گیری از اصول

سلامت

«رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز»  
استان به سونامی کرونا نزدیک  
می شود

رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان البرز با بیان اینکه شروع موج دوم کرونا این استان غافل کننده بود، گفت: در صورت عدم همکاری و مشارکت مردم، این استان به سونامی کرونا نزدیک خواهد شد. به گزارش «دنیای هوادار»، دکتر حسین کریم عصر گذشته در نشست خبری که در سالن اجتماعات دانشگاه علوم پزشکی البرز برگزار شد، اظهار داشت: این روزها کادر درمانی بیمارستان ها، دولت و وزارت بهداشت غافلگیر شده و البته نگران هستند، امید است بدون تلفات سنگین این موج و حمله دوم را نیز پشت سر بگذاریم.

وی با اشاره به اینکه در موج دوم حمله کرونا اسلحه ما تنها آگاهی بخشی، استفاده از فرهنگ و همکاری مردم برای مراقبت بیشتر در برابر بیماری است، عنوان کرد: برای فروکش کردن این وضعیت کمک و همکاری رسانه ها مهم و نجات بخش است.

کریم با بیان اینکه شیب بیماری کرونا در ۲ هفته اخیر تند بوده است، گفت: احساس ما این است که یک سونامی کرونایی به سوی البرز در حال پیشروی است.

وی بیان داشت: کار بزرگی در بهار امسال در زمینه کرونا در استان انجام شد چون خیلی ها انتظار داشتند که البرز همانند استان های گیلان، قم، مازندران یا گلستان شاهد بحران در این مورد باشد، اما به خوبی موضوع بیماری در سطح استان را با تلاش کادر درمان، همکاری مردم و مسوولان البرز مدیریت کردیم.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی با بیان اینکه شاهد حمله ویروس کرونا در موج دوم به کل کشور هستیم و خیلی از استان های سفید و آبی را درگیر و قرمز کرده است، افزود: افزایش مرگ و میر و آمار بستری ها را به دنبال داشته و شتاب و سرعت بیشتری نسبت به موج و حمله اول دارد و نمورد به سمت ما در حال پیش روی است.

وی با تاکید بر اهمیت زدن ماسک که از ۱۵ ماه جاری اجباری می شود، گفت: شستشوی مکرر دست ها و رعایت فاصله گذاری اجتماعی مهم است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز با اشاره بر اهمیت مدیریت تخت های بیمارستانی برای استفاده از ظرفیت حداکثری در بخش مراقبت های ویژه گفت: به حداقل رساندن تعداد مرگ و میرها را با داروهای ویروسی و ضد التهابی در البرز مدیریت کرده ایم، اما با زیاد شدن تعداد موارد ابتلا در بحث دارو، امکانات و تجهیزات ممکن است با سونامی رو به رو شویم.

وی با اشاره به اینکه وضعیت البرز در بحث بیماری کرونا اکنون زرد و در مرز قرمز شدن است، گفت: در وضعیت زرد به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت بین یک تا سه مورد بستری در بحث بیماری کرونا داریم و اگر در این مورد از سه نفر فراتر رویم، وضعیت استان قرمز می شود.

دکتر کریم با اشاره به اینکه در مورد تحصیل حضوری دانش آموزان در مدارس برای سال آتی باید منتظر شرایط استان در آن روزها باشیم، گفت: در آن زمان باید سناریو لازم تعریف شود.

وی بیشترین آمار مرگ و میر در اثر کرونا در البرز را بین سنین ۶۵ تا ۷۰ سال دانست و گفت: اما بازه سنی ۷۵ تا ۸۰ سال بیشترین خطر ریسک فوت در اثر کرونا در استان را شامل می شوند.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان البرز در خصوص آمار فوتی های کادر درمان این دانشگاه در این استان گفت: تاکنون مورد فوتی از کادر دانشگاه در اثر کرونا نداشتیم، ۲ پزشک فوت کردند که در بخش خصوصی و مطب های خود فعالیت داشتند، پزشک دیگر نیز که فوت کرده است کرونا مثبت بوده اما علت مرگ وی این بیماری نیست.

بازتاب این خبر - تصویب قانون کشف حجاب- واکنش جامعه مذهبی مشهد را در پی داشت. محمدتقی بهلول به منبر رفته و مردم را علیه حکومت دلیر کرد. با تحصن مردم در حرم رضوی خشم رضاشاه برانگیخته شد و دستور سرکوب صادر کرد. تاثیر غرب باوری بر وقوع این رخداد منظور اصلی این مقاله است؛ لذا افت و خیز واقعه گوه‌رشاد و کم و کیف این رخداد در فرصتی دیگر و شرحی بسط ارائه می شود. رضاشاه به اصلاح جامعه ایران به چشم یک پروژه نگاه کرده و آن را در قالب زمان محدود کرد. اتخاذ این تصمیم مستلزم تصویب قوانین خشک و بدون انعطاف شد. تغییرات بدون دوراندیشی و فارغ از ساختار سازی فرهنگی صورت گرفت لذا ستیز با سنت و ارزش ها را در پی داشت. جامعه ایران کشتش اصلاحات موجود را نداشته و با وجود سرعت روند تغییرات فرصت همگام سازی نیز سلب شد.

محدود کردن ارائه خدمات به کسانی که پوشش خود را تغییر ندادند، ایجاد نفرت و اندیشه مخالفت با شاه را هدفمند کرد. ترسیم یک مدینه فاضله از غرب موجب غرب ستایی و ساختارشکنی در ایران شد. این درحالی است که با خرافه زدایی و تفسیر عالمانه از سنت ها امکان توسعه فراهم و شدت واکنش ها کاهش می یافت. علاوه بر مسائل فوق الذکر، شیفتگی روشنفکران به مبانی غرب و عدم غربالگری ارزش ها، موجب وابستگی ایران در اکثر شئون به اصول بیگانه گشت و بیگانگی با قسمتی از فرهنگ گذشته را به همراه داشت. آفت غربگرایی یکی از چندین عوامل زمینه ساز واقعه گوه‌رشاد است و این قلم، پدیده می داند. لذا مقاله حاضر در مذمت غرب یا بهره گیری از آن نیست بلکه «تاثیر غرب باور»ی بر وقوع یک حادثه تاریخی را بررسی کرده است.

تمدن غرب و تاثیرپذیری از کشورهای همسایه، ایران مدرن را خواستار بود. تغییر لباس در چند مرحله و با نیت دگرگونی چهره مردم و شهر انجام گرفت.

«به موجب قانونی که در جلسه ۶ دی ماه ۱۳۰۷ دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی به تصویب رسید، کلیه اتباع ذکور ایرانی در داخل مملکت مکلف گردیدند که به لباس متحدالشکل ملبس شوند.» (صلاح، مهدی، ۱۳۸۴). کشف حجاب، چ ۲، تهران: موسسه مطالعات پژوهشهای سیاسی، ص ۸۷)

پس از سفر رضاشاه به ترکیه در سال ۱۳۱۳ اندیشه «کشف حجاب» در ذهن شاه فزونی گرفت. بروز این نگرش ابتدا با تغییر کلاه پهلوی به کلاه شاپو صورت گرفت. در بخشنامه دولت فروغی به تاریخ ۸ تیر ۱۳۱۴ چنین آمده است:

«استعمال کلاه بین المللی برای مأمورین دولتی اجباری است و باید هر چه زود تر کلیه مامورین کلاه خود را تغییر دهند.» (بصیرت منش، حمید، ۱۳۹۲). علما و رژیم رضا شاه، چ ۵، تهران: عروج، ص ۱۷۸)

سرعت اصلاحات رضاشاه و تعیین مجازات سنگین برای مخالفان در تقابل با جامعه سنتی ایران بود. لذا موضع گیری علما را در پی داشت. قانون کشف حجاب در ۱۴ دی ماه ۱۳۱۴ به تصویب رسید اما زرمه های طرح این قانون در جامعه، روحانیون مشهد را وادار به واکنش کرد. در تیر ماه ۱۳۱۴ آیت الله قمی به قصد مذاکره با شاه راهی تهران شد. محمدتقی بهلول در خاطراتش می نویسد:

«به منزل آیت الله قمی رفتم و حال آقا را پرسیدم، زن آقا به من گفت آقا برای دیدن شاه و منصرف کردن او از رفع حجاب و نشر کلاه به اختیار خود به تهران رفته اند، ولی شاه به آقا وقت ملاقات نداد و او را در یک باغ تحت مراقبت قرار داده اند.» (بهلول، محمدتقی، ۱۳۸۹). خاطرات سیاسی بهلول، چ ۴، اصفهان: آرما، ص ۷۴)

رضاشاه به اصلاح جامعه ایران به چشم یک پروژه نگاه کرده و آن را در قالب زمان محدود کرد. اتخاذ این تصمیم مستلزم تصویب قوانین خشک و بدون انعطاف شد. تغییرات بدون دوراندیشی و فارغ از ساختار سازی فرهنگی صورت گرفت لذا ستیز با سنت و ارزش ها را در پی داشت.

## دریچه

«دنیای هوادار» از معضلات شهری و فرهنگی محله اوقافی های کرج گزارش می دهد؛

## به خودمان اعتماد کنیم، نه مسئولان

نسترن کیوان پور  
خبیرنگار

اپیزود اول

منطقه هفت قرار است حل شود؛ مشکلی که تمام ساکنان متفق القول از آن گلایه دارند. جالبترین اتفاق در این دیدار، پیشنهادی بود که از سوی دفتر تسهیل گری محله مطرح شد؛ این که کوچیهایی که ساکنانشان در رعایت اصول بهداشتی انتقال زباله و جمع آوری لوله های فاضلاب همکاری بیشتری داشته باشند، سریعتر بهسازی شود. عنوانش هم به گفته کارشناسان اجتماعی دفتر «جایزه مشارکت» خواهد بود. که البته اهالی می توانند برای دریافت اطلاعات پیش تر و ثبت نام کوچیهان به دفتر مراجعه کنند.

## اپیزود سوم

«الساندرا اورفینیو»، فعال اجتماعی است که یک تشکیلاتی به نام «مه ریو» (Meu Rio) راه اندازی کرده؛ فقط برای مشارکت مردم در رفع مشکلات محل زندگی شان بدون کمک دولت و مسئولان. به عقیده او، این ما (مردم) هستیم که باید فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری را به دست بگیریم. باید خودمان به خودمان حق انتخاب بدهیم؛ می خواهیم محله مان پارکینگ داشته باشد یا مدرسه؟ می خواهیم محوطه ای ساختمانی بلا استفاده داشته باشیم یا یک فرهنگسرا و کتابخانه؟ می خواهیم معابرمان آسفالت شود یا پُر از زباله باقی بماند؟ به نظر من تمام بی اعتمادی های ما از این ناشی می شود که خودمان را عقب کشیده ایم و کار را سپرده ایم دست مسئولان. نمی گویم تلاش نکرده ایم، طومار جمع نکرده ایم، از اهالی امضا نگرفته ایم، اما شاید راه درست را انتخاب نکرده باشیم.

هفته ای گذشته بود که محمود کشاورز؛ معاون خدمات شهری منطقه هفت به دفتر تسهیل گری آمد و کمک کرد دیوار دفتر رنگ شاخصی داشته باشد. چندین گلدان دیواری هم به خواسته ای اهالی در یکی از کوچیها (کوچه یاس) نصب شد؛ اقدامی کوچک که تاثیری بزرگ دارد هم در تلطیف فضای محله هم در ذهن ساکنان. بهتر است کمی به این موضوع فکر کنیم که شاید درست نخواسته ایم تا به حال، شاید نامیدی فقط به این دلیل بر ما غالب شده چون امیدمان را جای درستی خرج نکرده ایم. شاید باید به خودمان اعتماد می کردیم و همسایگانمان، نه مسئولانی که شاید هفته ای بعد یا ماه بعد به منطقه ای دیگر برای فعالیت اعزام شوند. به پیرمرد سر کوچه گفتیم بیا و مشکلات را بگو. گفت هزار بار گفته ایم، تاثیری دارد؟ گفتم وقتی جمع بشوید و پیگیری کنید مدام، بله دارد. در ضمن خیالت راحت! من نه از شهرداری آمدم و نه در دفتر تسهیل گری مشغول هستم! پیگیری می کنم توی رسانه که بینم وعده ها محقق می شود یا نه. سرانجام لیخن زد اما حس کردم لیخنش از روی رضایت و شادمانی نیست. شاید با لیخنش می خواست بگوید دلت خوش هست ها! شاید هم نه... نمی دانم.

## محیط زیست

## سرنوشت این همه کیسه پلاستیکی چه می شود؟



تقریباً همه ما هر روز از آن ها استفاده می کنیم؛ کیسه های پلاستیکی نازکی که هر مغازه دار و فروشنده ای از آن ها برای تحویل اجناس و کالاهای خریداری شده به مشتریان استفاده می کنند. به گزارش «دنیای هوادار»، سایت «دیز آو د پیر» در مطلبی به مناسبت «روز جهانی بدون کیسه پلاستیکی» تاکید کرده است: آلودگی پلاستیکی یک فاجعه جهانی است و متأسفانه حاصل دست بشر است. آیا می دانید تقریباً ۵۰۰ میلیارد کیسه پلاستیکی در مقیاس جهانی استفاده می شود؟ فقط به این فکر کنید که چه تعداد از این کیسه ها در سراسر کره زمین پراکنده خواهند شد. بی شک این امر تأثیر بسیار مضر بر محیط زیست، حیات وحش و در نهایت بر سلامت انسان خواهد داشت.

حتی دورافتاده ترین نقاط زمین نیز راه پیدا کرده زیرا اکنون پلاستیک ها حتی بخشی از بارش باران شده اند. بنابر گزارش «مدیکال دیلی»، کارشناسان محیط زیست در بارش های اخیر در برخی مناطق زمین اثراتی از میکروپلاستیک ها را پیدا کردند. به گفته آن ها ۹۰ درصد از نمونه های باران، برف و مه جمع آوری شده در مناطق مرکزی ایالت کلرادو حاوی ذرات پلاستیکی بسیار ریز بوده اند. قرار گرفتن در معرض میکروپلاستیک ها یا بلعیدن آن ها تأثیر منفی بر بدن دارد، می تواند میکروبیوم روده را تخریب کرده، به ریه ها و کبد آسیب بزند و خطر آسیب مغزی را افزایش دهد. به نوشته روزنامه گاردین، بسیاری از مردم از نقش مهمی که می توانند با رعایت چنین مواردی در حفظ محیط زیست داشته باشند، آگاه نبوده و بر این باورند که با تولید حجم زیاد زباله توسط کارخانجات بزرگ، چنین اقداماتی از سوی آن ها کارساز نخواهد بود. اما کارشناسان معتقدند در صورتی که مردم چنین مواردی را به تدریج رعایت کنند می توانند تأثیری مثبت و مهم بر محیط زیست خود بگذارند.

## بایخت

## شهردار تهران خبر داد؛

## محلات کم برخوردار در اولویت پروژه های توسعه محلی



سال ۱۳۹۸ با هماهنگی مناطق شهرداری تهران (۱۵ منطقه کمتر برخوردار) و به تفکیک محلات منتخب (۱۰۰ محله) از طریق برگزاری جلسات مشارکتی با حضور اعضای شورایی، دفاتر توسعه محله ای و سایر ذی نفعان محلی انجام شد و پروژه های اخصاء شده دارای اولویت (تعداد ۲۱۰ پروژه معادل ۲۰۰ میلیارد تومان از بودجه مربوط به ماده ۲۳ برنامه سوم توسعه شهر تهران و ۱۶۷ پروژه معادل با ۱۲۴ میلیارد تومان از متمم بودجه ۱۳۹۸) پس از طی مراحل تخصیص بودجه، برای اجرا به سازمان های مربوطه واگذار شدند. شهردار تهران تصریح کرد: متأسفانه تقارن شیوع ویروس کرونا با اجرای پروژه های توسعه محلی در روند برگزاری مناقصات، انجام تشریفات قانونی و اجرای این پروژه ها تأثیرات منفی به جای گذاشته و سبب شد تا سازمان های مجری در اجرای پروژه های محوله و به ویژه لیست پروژه های متمم بودجه (که دیرتر ابلاغ شد) با مشکلاتی مواجه شوند.

پیروز حناچی گفت: تدوین «آیین نامه اجرایی نحوه شناسایی و اولویت بندی پروژه های عمرانی توسعه محلات شهر تهران با هدف کاهش شکاف برخورداری مناطق ۲۲ گانه» در دستور کار قرار گرفته است. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از مهر، پیروز حناچی شهردار تهران در خصوص تذکر مجید فراهانی، رئیس کمیته بودجه و نظارت مالی شورای شهر تهران پیرامون «ارائه صورت جلسه تعیین و انتخاب پروژه های توسعه محلی متضمن نظر شوراییان» محلات واکنش نشان داد. او در پاسخ به تذکر گفت: تدوین «آیین نامه اجرایی نحوه شناسایی و اولویت بندی پروژه های عمرانی توسعه محلات شهر تهران با هدف کاهش شکاف برخورداری مناطق ۲۲ گانه» در دستور کار قرار گرفته و محلات کمتر برخوردار دارای اولویت اقدام بر اساس شاخص برخورداری در فرایندی مشارکتی انتخاب شدند. وی افزود: شناسایی ۳۷۷ پروژه دارای اولویت اقدام در

## اپیزود دوم

سال هاست در نشست های خبری مختلف و همایش ها برای گزارش حضور دارم و کم تر مسئولی دیده ام که برای از سر باز کردن مسئولیت قول های الکی ندهد. حداقلش این است که صمیمی در همان دیدار، قول الکی به ساکنان نداد. شاید مردم شادی لحظه ای را با وعده و وعیده های مسئولان تجربه کنند اما اگر این وعده ها محقق نشود بی اعتمادی هایی به وجود می آید که برای جبران آن سال ها باید بگذرد و مسئولان مختلف بیایند و بروند و برادری شان را ثابت کنند.

آسفالت خیابان دوم و چهارم غربی و همه ی خیابان های شرقی به گفته ی معاون عمرانی منطقه انجام خواهد شد اما خیابان چهره پرداز فعلاً نه. دلیلش هم این است که عملیات فاضلاب این معبر هنوز انجام نشده و تا زمانی که اداره آب و فاضلاب این پروژه را تکمیل نکند، امکان بهسازی آسفالت وجود ندارد. حل مشکل آبرگفتگی معابر اوقافی ها هم در قالب پروژه هایی از سوی شهرداری

«دنیای هوادار» بررسی می کند!

# وسوسه ای برای صلح کارتاژی!

نگاهی به کارتاژ، هانیبال و جنگ های پونیک



رضا تواسعی  
نویسنده



## کارتاژ و هانیبال و جنگ های پونیک

آذوقه کارتاژی ها حیاتی باشد و حتی آلوده کردن منابع آب، لشکر هانیبال را با مشکل آذوقه مواجه کردند. از سوی دیگر به یاری نیروی دریایی شان از رساندن کمک به نیروهای هانیبال از کارتاژ جلوگیری کردند که این خود به بحران تامین آذوقه لشگریان هانیبال دامن زد. به این ها، ترور سربازان و سرداران و افراد ذی نفوذی که در خدمت هانیبال بودند و یا با کارتاژی ها در اتحاد قرار گرفته بودند هم اضافه شد و در عین حال، تمام راه ها را برای مردمی که در زیر حاکمیت نیروهای کارتاژی قرار داشتند نا امن کردند و با کمک نفوذی هایشان ترسی عظیم در دل مردم و حاکمانی که با هانیبال در ارتباط بودند انداختند کانه هرکسی با کارتاژی ها و هانیبال در ارتباط باشد قطعاً با مرگی دردناک مواجه خواهد شد، طوری که هم مردم دیگر از حاکمیت هانیبال به تنگ آمدند و سر به شورش زدند و هم سربازان هانیبال سر به تمرد و آشوب.

در نهایت این استراتژی ایجاد «زمین سوخته» باعث زوال قدرت هانیبال شد و او پس از عقب نشینی های متعدد به آسیای صغیر رفت و تلاش در همراه کردن سوریه و مقدونیه با خود کرد که در آنجا هم به خاطر ترسی که رومی ها با دستگاه عظیم جاسوسان و نفوذی هایشان ایجاد کرده بودند ناموفق بود. در نهایت در سال ۱۹۰ پیش از میلاد، هانیبال پس از انعقاد صلحی ننگین با رومی ها خودکشی کرد و کارتاژ تبدیل به خراج گذار روم شد و در جنگ سوم پونیک کارتاژی ها که به خاطر دادن خراج بسیار به رومی ها ضعیف شده بودند با اینکه سه سال مقاومت کردند ولی در نهایت تسلیم شدند و کارتاژ، ضمیمه خاک روم شد.

کارتاژ نام مدنی بود که در کرانه های جنوبی مدیترانه و در شمال آفریقا جایی که امروز کشور تونس کنونی وجود دارد توسط کوچندگان فنیقی بنا شده بود و توانسته بودند از طریق تجارت به توسعه ای بسیار برسند و مکتب و دارایی و قدرت نظامی بسیاری را فراهم کنند و حتی تمدن کارتاژ در سده های سوم و دوم پیش از میلاد مسیح هم دوره و هموار جمهوری روم در کشاکش با این دولت بر سر چیرگی بر مدیترانه باختری بود. این همواردی و نبردها به سه دوره جنگ میان کارتاژ و روم انجامید که به جنگ های کارتاژی یا پونیک معروف است. کارتاژی ها پس از شکستی که در دور اول جنگ هایشان از روم خوردند، بیست و سه سال بعد در دوم جنگ های پونیک با تکیه بر استراتژی و تاکتیک های نبوغ آمیز سردار نامدارشان «هانیبال» توانستند رومی ها را با شکستی هولناک مواجه کنند و بسیاری از رومی ها و شهرهایشان در آتش قهر و قدرت کارتاژی ها در هم کوبیده شدند. اما رومی ها در نهایت توانستند با یک استراتژی چند لایه، هانیبال را به صلحی ننگین بکشاند و در نهایت هانیبال با خوردن زهر خودکشی کرد و چند دهه بعد از این صلح، در دور سوم جنگ های پونیک، تمدن کارتاژ را به طور کامل از روی زمین محو کردند و به خاک خود اضافه نمودند. رومی ها که در میدان نبرد و نیروی نظامی شکست خورده مطلق بودند ابتدا نگذاشتند که کارتاژی ها متحدی برای خود در زمین های تصرف کرده ایجاد کنند و با آتش زدن و نابود کردن مزارع و زیرساخت هایی که می توانست برای تامین

سرزمین بالاخص از سمت و سوی غرب، پر از انواع حيله ها و پلیدی های بیشمار است که برای استخراج نقشه های شوم، گنجینه ای گرانبها برای آنان ساخته است. نقشه هایی که ملت های بسیاری را به زوال افکنده و حتی مضمحل کرده و از روی نقشه جغرافیا با بی رحمی محو کرده است.

غربی ها در تمام طول تاریخشان یک خصلت را همیشه در رفتار سیاسی شان داشته اند و آن اینکه در جنگ تمدنی قائل به رقابت و ارتباط تمدن ها و گفتگوی بین آن ها نیستند و تنها تصویر ماندگار از آن ها در تاریخ برای ارتباط بین تمدنی آن ها با تمدن دیگر در «برخود تمدنی» خلاصه می شده و تا حریف را از روی زمین محو نکنند آرام نمی نشینند. در جنگ سرد تا بلوک شرق و کانون مدنیت مبتنی بر ایدئولوژی، کمونیست را به طور کامل نیست و نابود نکردند و دست از آن جنگ برنداشتند و در عصر استعمار چه مدنیت هایی را در آمریکای جنوبی یا آفریقا و حتی شرق دور که با خاک یکسان نکردند. در برخورد با اسلام هم تا آخرین امپراطوری اسلامی یعنی عثمانی را (فارغ از داوری ما درباره آن) به طور کامل از روی زمین محو نکردند اما آرام ننشستند و هر جایی که مدنیتی با هر تعریفی در تعارض با مدنیت پلیدشان قرار گیرد با تمام دستگاه عظیم ماشین جنگی رسانه ای و اقتصادی و نظامی شان از رویش رد می شوند و تا خاکسترش را بر باد ندهند، دست بردار نیستند.

در ریشه یابی روان شناسانه این برخورد و شیوه آن باید در تاریخ به سیر و تحقیق پرداخت که ما را می رساند به دورانی در تاریخ غرب که رومی ها با تمدنی به نام «کارتاژ» در طول جنگ هایی که به «پونیک» معروف است درگیر بودند و با توجه به اتفاقات مشکوک و معناداری که در این چند وقت اخیر در کشور در حال وقوع است، دقت و غور در آن ما را به نتایج خوبی در شناخت آنچه برای ما می خواهند تدارک ببینند می رساند و تصویر بهتری از وقایع اخیر به ما می دهد.

تاریخ پر از عبرت های بزرگ است که بر ملت ها و حاکمیت هایشان گذشته و اگر ملتی از گذشته خود و ملل دیگر عبرت نگیرد خود به عبرتی تاریخی برای دیگران تبدیل خواهد شد. همه می دانیم که ملت ما امروز در میانه میدان رزمی تمام عیار در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و رسانه ای است و دشمنان و خائنان و شیاطین زمان از تمام راه های پلیدی که به مخیله شیاطین پیشین هم خطور نمی کرد علیه این ملت هفت هزار ساله که می خواهد افزاشته ایستادن تاریخی اش را احیاء کند، اقدام کرده و می کنند تا بار دیگر تمدنی عظیم در مقابل مدنیت منط و رو به زوال آن ها قد علم نکند و قدرت شیطانی شان را به چالش نکشد. ملتی که تاریخ دوپست ساله پر درد و تحقیری را پشت سر گذاشته و چند دهه ای است با روحی که روح الله به آن هدیده سودای زعامت بر سرنوشته خود را در سر می پروراند و در این راه پایمردی و پایوری ای حماسی نشان داده و می رود که نه فقط سرنوشته خویش که سرنوشته یک منطقه را با مدنیتی جدید که از دل عبرت ها و درس ها و داشته های بسیار در حال تولد است پیوند زند.

از اقتدار و شکوه هنر و صنعت و توان نظامی و امنیت سلسله های باستانی اش تا تحقیر آخال و ترکمنچای و گلستان و داری و روبینر... و از همه مهم تر عبرت های عاشورا را در حافظه خود دارد و می داند چقدر سخت است از عرش بر فرش کوفته شدن و عبرت نگرفتن از شکست ها و غره در باد پیروزی های باستانی ماندن و چه شباهت عجیبی بوده بین دشمنان سرزمینش با اشقیاء مهاجم به خیمه های اباعبدالله و حالا این ملت؛ آگاه و دانا و مقاوم، ایستاده بر بر ستیغ شور و شعوری کم نظیر در طول تاریخش برای احیای به حق حقی که قرن ها از او دریغ شده است.

اما با همه این ها وقتی چنین اتفاقی بزرگ و عظیمی در حال اتفاق افتادن است قطعاً حرامیان داخلی و خارجی آرام نخواهند گرفت و حتماً آنچه تا به امروز کرده اند بیشتر خواهند کرد تا این تحول عظیم رخ ندهد. به خصوص که تاریخ پلید و پر از جنایت دشمنان این

**چقدر سخت است از عرش بر فرش کوفته شدن و عبرت نگرفتن از شکست ها و غره در باد پیروزی های باستانی ماندن و چه شباهت عجیبی بوده بین دشمنان سرزمینش با اشقیاء مهاجم به خیمه های اباعبدالله و حالا این ملت؛ آگاه و دانا و مقاوم، ایستاده در بر ستیغ شور و شعوری کم نظیر در طول تاریخش برای احیای به حق حقی که قرن ها از او دریغ شده است.**

## وسوسه های صلح کارسازی

اتفاقاتی که بین کارتاژ و روم افتاد امروز می تواند برای شناخت وضعیتی که دشمنان این سرزمین می خواهند برای ما ایجاد کند راهگشا باشد. آمریکا و غرب می دانند توانایی نبرد نظامی را با ایران فعلی ندارند و در هر جنگی به دو دلیل واضح شکست خورده قطعی هستند.

اول اینکه ایران تحت حاکمیت ملی جمهوری اسلامی از حیث توان نظامی می تواند خسارت های بی نظیر انسانی را به آمریکا و متحدانش بزند و سربازان بسیاری از این حرامیان را به اسفل درکات جهنم رهنمون کند. تمدن غرب خسارت



کشوری را که به این دشمنانش پایگاه برای حمله به ایران بدهد دشمن خواهد دانست و با توجه به قدرت آتش بالای استراتژیک موشکی ای که دارد و البته گروه های قدرتمند نظامی همسوی منطقه ای، زیرساخت های آن کشور را با خاک یکسان می کند و همین قطعیت و قدرت و کوبندگی پاسخ ایران باعث می شود هیچ کشوری حتی تصور چنین حماقتی را هم در همسایگی ایران نکند؛ چون میزان و حجم وسیع پاسخ آتشین ایران را کاملا می داند.

های نظامی در عرصه ادوات را تا حدودی پذیر است ولی خسارت های جانی را به خاطر ساختار اندی ایدئالیستی و فردگرایانه و خویش کامانه و هیومنیستی و انسان مدارانه صرفا دنیوی و ناسوتی اش نمی تواند تحمل کند و در صورت دادن تلفات بالا به سرعت در مقابل فوران خشم عمومی مردم مغرب زمین قرار می گیرد. دوم اینکه آمریکا و متحدان غربی اش برای حمله به ایران در کشورهای همسایه ایران و در پایگاه هایی که در آن ساخته اند باید مستقر شوند و ایران هر

است که یا به خاطر مطامع جناحی و یا خطای محاسباتی و یا عدم بصیرت در کنار خائنان به این سرزمین در وسوسه گری خائنان به هدف کشاندن ملت و حاکمیت ملی ایران به پای مسلخ مذاکره قرار گرفته اند و به آن ها هشدار می دهم که فرقی نمی کند شما معمم باشید یا مگلا، اگر خدای نکرده موفق شوید این وسوسه شیطانی را به سرانجام برسانید تاریخ برای شما همان قضاوتی را کنار گذاشته که برای همه آن ناکسانی که دره قلعه ها را از داخل به روی دشمن باز کرده اند، ثبت و ضبط و محفوظ نگاشته است. روی سخن دوم هم با حاکمیت و مسئولان و دلسوزان کشور است که باید برای مقابله با این هجمه جدید دشمن، سریعا تدبیر بیندیشند و نگذارند آن ها در این جبهه جدیدی که علیه ایران و ایرانی گشوده اند بیش از این پیش بیایند و نه فقط عناصر دست اندرکار دشمن در این جبهه جدید با کار اطلاعاتی و امنیتی وسیع خنثی و امحاء و نابود شوند که باید جبهه جدیدی علیه دشمنان این سرزمین در حالیه که شرایطش مهیاست گشوده شود تا فشار از روی داخل و جبهه مقاومت برداشته شود و آن ها وادار به عقب نشینی از این نقشه پلیدی که در حال اجراست هستند شوند. در نهایت سخنان ما ملت بزرگ ایران است. ملتی رشید که همیشه جلوتر از مسئولان بوده و هستند و در بسیاری از موارد شجاع تر و رشیدتر و با تدبیرتر از مسئولان بوده و باز هم هستند و همیشه بار اصلی این انقلاب و استقلال و اقتدار کشور را به دوش کشیده اند و قهرمان مبارزه ای بی مانند با تمامی مصائب این پر افتخار بوده اند و باز هم خواهند بود. باز هم ایران شما را صدا می زند. شمایی صاحبان اصلی این خاکید و برگزیده شده ای تا با ولایت پرچم را به دست صاحبش، صاحب الامر، حضرت بقیة الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء برسانید. این هم بار هم فرج و گشایش به عهده دستان و شانه ها و عقول شماسان تا واپسین وسوسه های شیطانی هم با بصیرت حماسی شما راه به جای نبرد؛ اتفاق خوبی که قطعا خواهد افتاد...

این ها تازه شروع کار است برای ایجاد فتنه ای جدید که در راه است. هدف آن هم سایش توان کشور و محور مقاومت در کشاکش بلوا و آشوب و در نهایت بی رمق شدن ایران به خصوص در زمانه ای که کشور درگیر بلیه کرونا و عواقب اقتصادی و سیاسی آن است و البته مقصود اصلی که همان رفتن به پای میز مذاکره (بخوانید مسلخ مذاکره) با آمریکاست.

### کلام پایانی

پیش از اینکه کلام پایانی این جستار را بگویم ابتدا باید عنوان کنم که به عنوان نگارنده این سطور که تقدیمتان می شود، هرگز مخالف مذاکره با هیچ کشوری که به رسمیت می شناسیم از جمله «آمریک» نیستیم و اعتقاد دارم همه کشورها طبق موازینی که منافع ملی شان اقتضاء می کند باید با هم در مذاکرات سیاسی و اقتصادی وسیع باشند و مشکلاتشان را با هم از طریق میز مذاکره حل کنند و دوستی هایشان را پایدارتر و عمیق تر کنند که این در پیشرفت و توسعه کشورها نقشی حیاتی دارد اما مورد ایران و آمریکا یک مورد به شدت متفاوت است. مسئله ما با آمریکا یک جنگ تمدنی است و همانطور که در ابتدای جستار هم گفتیم آمریکایی ها به عنوان سردمدار دنیای غرب هرگز کشوری را که با آن ها به جنگ تمدنی برمی خیزد را نمی بخشند و تا آن را محو نکنند و یا به روز سیاه نیندازند دست بردار نیستند. ما تنها وقتی می توانیم با آمریکا و غرب وارد مذاکره ای واقعی و استراتژیک شویم و امید داشته باشیم که آمریکا و غربی ها به توافق حاصل از آن وفادار می مانند و دست کم به اندازه جوهری که با آن توافق حاصل شده، نگاشته شده، بپایز که آمریکا و غرب از حوزه تمدنی ما بیرون رفته باشد و ما آن ها را وادار به پذیرش خوارش مدنی و تمدنی خویش کرده باشیم در غیر این صورت، تا آن روز هرگونه مذاکره ای با غرب صرفا تاکتیکی است و هدف غربی ها از آن به شکست کشاندن ایران در این نبرد تمدنی است و لاغیر. اما در این پایان سخن، روی سخن نخست با آن ساده لوحانی

سایبری به بندر شهید رجائی و انفجار در سایت هسته ای نطنز و یا مخازن گاز سایت نظامی پارچین.

هدف از این اقدامات سخت افزاری امنیتی هم نشان دادن میزان نفوذ و قدرت تخریبی است که آن ها با کمک عناصر نفوذی ای که در داخل دارند و البته هشدار به ایران که در صورت عدم تسلیم، دامنه این نوع رفتارهای وحشیانه می تواند وسیع تر شود و حتی تخریب های بیشتر و با تلفات سنگین را ایران باید انتظار بکشد. از اقدامات نرم افزاری هم می توان به اجرای «قانون قیصر» که فشار زیادی را به متحدین ایران در محور مقاومت خواهد آورد و خرابکاری در بازگشت ارز حاصل از صادرات غیر نفتی توسط عناصر نفوذی اشاره کرد. متاسفانه قانون قیصر در فرصت کوتاهی فشار عظیمی را بر اقتصاد درهم پاشیده و جنگ زده سوریه و اقتصاد به شدت وابسته به پول های بیرون از مرزهای لبنان آورده و در آنجا شرایط خطرناکی برای جولان دشمنان ایران و ایجاد آشوب مهیا کرده است. پس از آن هم با توجه به اینکه ایران راه هایی عملا غیرقابل تحریم برای برگرداندن ارزهای خارجی خود حاصل از صادرات غیرنفتی ایجاد کرده بود و آن ها نمی توانستند با قانون و تحریم آن را مسدود کنند پس ماموریت به افراد نفوذی و خریداری شده محول شد تا با این خرابکاری ها عملا یک شوک ارزی جدید به بازارهای سرمایه ایران داده شود و مکمل آن هم فشار رسانه ای است که این بار از داخل و به خصوص با به میدان آوردن برخی عالیجنابان سابقا خیلی انقلابی و ضدآمریکایی «پرده نشین» شروع شده که حالا پرده ها را در حالی که نقاب دلسوزی ملت و کشور به صورت دارند کنار زده اند و جسارت به رهبری را کتابت می کنند و یا شیخ های ساده لوح که معلوم شده جاعلان خبرگی (!) بوده اند و در نهایت با حمایت و جنجال رسانه ای سنگین پیرامون آن ها پیش می رود.

پس گزینه نظامی با توجه به توضیحاتی که داده شد عملاروی میز نیست پس می ماند گزینه های دیگر که توضیح خواهم داد. البته پروژه نامبرده یعنی رساندن ایران به صلح کارتاژی را از قبل، آمریکایی ها وقتی ترامپ از برجام خارج شد کلید زدند و در امتداد همان خروج بود که سیل تحریم های کمرشکن اقتصادی و نبرد کثیف رسانه ای در ابعادی کم نظیر در طول تاریخ علیه ایران آغاز شد که بعضا توسط عناصر نفوذی ای که در داخل داشتند به آن ضریب هم داده می شد. اما با توجه به پایان دوره ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» و حالا پرننگ شدن امکان یک دوره ای شدن ریاست جمهوری وی [به خاطر کرونا- و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آن در آمریکا و مقاومت حیرت انگیز ایران که باعث ناکامی کثیری از برنامه های آن ها در راه رسیدن به هدف غایی آن ها که همان صلح کارتاژی بود و صد البته پیامدهای کرونا و فشار اقتصادی عظیمی که همه کشورها را درگیر خود کرده و به نوعی بر گسل آشوب نشانده، دور جدیدی از فعالیت ها توسط محور عبری عربی و غربی آغاز شده است تا ایران را هرطور شده و به هر قیمتی به آشوب بکشاند و سرشکسته پای میز مذاکرات «صلح» (!) (بخوانید صلح کارتاژی) بنشانند تا هم کارنامه خالی ترامپ در سیاست خارجی، چیزی برای عرضه در انتخابات داشته باشد و هم با توجه به اینکه شرایط محور عبری عربی غربی هم از منظر اقتصادی و سیاسی به خصوص بعد از کرونا به شدت رو به وخامت گذاشته و امکان شکست های بزرگ از محور مقاومت را بسیار محتمل می بینند کار ایران را به مثابه سر اژدهای محور مقاومت بکوبند و تا فرصت هست یکسره کنند. اقداماتی که به دو دسته «سخت افزاری امنیتی» و «نرم افزاری رسانه ای» و سیاسی و اقتصادی» می توان آن ها را تقسیم کرد. از اقدامات سخت افزاری می توان به ایجاد حریق و آتش سوزی های عمدی در جنگل ها و مراتع و حتی پارک ها اشاره کرد و حالا هم خرابکاری در مراکز حساس نظامی و زیربنایی چون حمله

**هدف از این اقدامات سخت افزاری امنیتی هم نشان دادن میزان نفوذ و قدرت تخریبی است که آن ها با کمک عناصر نفوذی ای که در داخل دارند و البته هشدار به ایران که در صورت عدم تسلیم، دامنه این نوع رفتارهای وحشیانه می تواند وسیع تر شود و حتی تخریب های بیشتر و با تلفات سنگین را ایران باید انتظار بکشد.**





کیومرث محرابی با حفظ سمت، سخنگوی تیم های کشتی بازار بزرگ ایران شد  
کیومرث محرابی سرپرست و مدیر تیم های کشتی بازار بزرگ ایران با حفظ سمت به عنوان سخنگوی تیم های مذکور معرفی شد. مسئولان تیم های بازار بزرگ ایران که در هر دو رشته کشتی آزاد و فرنگی همچون سال گذشته حضور خواهند داشت، کیومرث محرابی را به عنوان سخنگوی خود معرفی کرد.

دیدگاه

بانوان

«دنیای هوادار» بررسی می کند:

## تاملی در باب جدول عملکرد کشتی استان ها

لزوم نظارت و بررسی قوت و ضعف هیات ها



ضعف موجود به مراتب کمتر از عوامل بازآزنده دیگر باشد. این موارد در توضیحات آنان و بررسی علل پسرفت روشن خواهد شد.

### دلایل ضعف هیات ها را بررسی کنید

حال که رتبه بندی هیات های کشتی انجام گرفته و استان های ضعیف و قوی مشخص شده اند، خوب است دلایل قوت ضعف آن ها مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد. باید کنکاش شود چرا فارس و خوزستان که از قدیم تقریباً در یک رشته فعالیت داشته اند توان بالا کشیدن خود تا حدود صدر جدول را دارند اما کردستان، اردبیل و اصفهان که روزگاری در همین کشتی فرنگی ستارگان بزرگی به تیم ملی معرفی می کردند اکنون جایگاه در خور توجهی در کشتی کشور ندارند؟ در کشتی آزاد هم از استان هایی چون همدان، قزوین، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان و گلستان انتظار بیشتر می رود. مناطقی که در گذشته فعالیت خوبی در کشتی آزاد داشتند اما اکنون از جایگاه رفیع و قابل ملاحظه ای برخوردار نیستند. بدیهی است برخی پارامترهای مندرج در جدول رده بندی صرفاً به موفقیت کشتی



محمد رضا کاظمی

نویسنده و روزنامه نگار

فدراسیون کشتی جدول رده بندی استان ها را از نظر موقعیت و جایگاهی که در کشتی کشور دارند منتشر کرد. مطابق جدول مذکور، مجموع امتیازات سه استان مازندران، تهران و خوزستان که عناوین اول تا سوم را به خود اختصاص داده اند بالاتر از دیگر استان ها قرار دارد. این سنجش و اندازه گیری شاخص ها و درجاتی داشته که در جدول اعلامی از سوی فدراسیون و برای سال ۹۸ در نظر گرفته شده اما گویا شاخص ها برای انتخاب برترین های سال ۹۹ تغییر خواهد کرد.

مطابق معمول سنوات گذشته، صدر جدول از آن مازندرانی ها شده و بعد از مازندران به ترتیب تهران، خوزستان، فارس، کرمانشاه، فارس و... قرار دارند. در جدول برترین های کشتی کشور شاخص های مختلفی مورد توجه قرار گرفته اما در مجموع استان هایی که کم و بیش در هر دو رشته آزاد و فرنگی فعالیت داشته و در یک کلام اهتمام و جدیت خود را معطوف به پیشبرد اهداف در هر دو عرصه م کرده اند، موفقیت بیشتری داشتند. درست به همین دلیل مازندرانی های پرتلاش و توانمند در صدر قرار گرفته اند. استانی که مردم آن از ریز و درشت عاشق کشتی هستند و به همین منظور در هر شهر و روستا تشک کشتی پهن است. در چنین شرایطی پایتخت بیست میلیون که روزگاری تیم های کشتی آن قدرتمندترین در کشور بودند جای خود را به مازندرانی سپرده که جمعیتی به مراتب کمتر از تهران دارد اما همانطور که گفته شد مردم این خطه به کشتی عشق می ورزند و حساب آن ها از دیگر مناطق جداسد. فاصله امتیازی صدرنشین جدول حتی با تیم های دوم و سوم گواهی است بر این مدعا با تمام این احوال باید به دقت بررسی شود که آیا مازندرانی ها در کشتی پیشرفت قابل توجهی داشته اند یا استان های دیگر مسیر تنزل را پیموده اند؟ تردیدی نیست هر دو وجه قصه می تواند مقرون به حقیقت باشد یعنی هم می توان ادعان داشت مازندرانی ها با نسل طلایی خود و تلاشی که داشته اند عرصه های موفقیت را قدرتمندانه طی کرده اند و هم می توان بر این حقیقت عریان پای فشرد که سهم موفقیت رقبای دیروز در ورزش اول سال به سال کوچکتر شده است. به سخن دیگر استان هایی که روزگاری سایه به سایه مازندران و تهران حرکت می کردند در گذر زمان چنان از اریکه قدرت فرو افتاده اند که اصولاً حرف چندان برای گفتن ندارند. استان هایی چون قزوین، کردستان، توابع تهران، گلستان، اردبیل، آذربایجان شرقی و پاره ای مناطق دیگر که هر یک به تناوب در یکی از دو رشته آزاد و فرنگی موقعیت و جایگاهی داشتند اکنون یا در جامی زند و یا به حداقل ها قناعت کرده اند. پوشیده نیست عذر مسئولان برخی هیات های یاد شده که کوتاه زمانی است عنان قدرت را در دست گرفته اند قابل پذیرش خواهد بود اما برخی از آنان که سال ها تحت مدیریت یک نفر فعالیت داشته و همچنان در مسیر ضعف گام برمی دارند باید پاسخگوی عملکرد خویش باشند. بگذریم از اینکه عوامل متعددی در ناکامی آن ها دخیل بوده و چه بسا سهم خود هیات ها در

## لیگ فوتسال زنان از بلا تکلیفی درآمد



حفاری برگزار کرد و تیم های مس رفسنجان و هیات فوتبال البرز به تساوی رسیدند و این دیدارها بدلیل بحران کرونا نیمه تمام باقی ماند.

پیش از این سازمان لیگ جلسه دیگری را برای تعیین تاریخ برگزاری مرحله حذفی فوتسال زنان تشکیل داد و ۱۳ تیر را زمان برپایی این مسابقات اعلام کرد اما بدلیل قرمز بودن وضعیت خوزستان و اعتراض مینا بارانی سرمربی ملی حفاری و نیلوفر اردلان سرمربی سایپا، این تاریخ هم لغو شد.

اما هفته گذشته در جلسه سازمان لیگ اخباری منتشر شد که بازی ها بدون اعلام قهرمان نیمه تمام باقی می ماند. در این میان سرمربی ملی حفاری و هیات فوتبال خراسان این خبر را تکذیب کردند و از تماس شیرین نصیری و اعلام قطعی تاریخ این مسابقات در سوم مرداد خبر دادند.

سازمان لیگ پس از چهار ماه بلا تکلیفی، سوم مرداد را زمان برگزاری دیدارهای دور برگشت مرحله حذفی لیگ فوتسال زنان اعلام کرد.

سازمان لیگ فوتسال برنامه مرحله نیمه نهایی مسابقات لیگ برتر فوتسال زنان را بعد از چهار ماه بلا تکلیفی بدلیل بحران کرونا امروز اعلام کرد.

دور برگشت مرحله حذفی سوم مرداد ساعت ۱۱ میان چهار تیم ملی حفاری، سایپا، مس رفسنجان و هیات فوتبال خراسان برگزار می شود.

دیدار تیم های ملی حفاری ایران و سایپا تهران در ورزشگاه ایثار اهواز و مس رفسنجان و هیات فوتبال خراسان در پیام نور رفسنجان برپا خواهد شد.

دور رفت مرحله حذفی لیگ فوتسال زنان سال گذشته برگزار شد که تیم سایپا بازی را به ملی

## «مونا آشفته» به تیم والیبال به سایپا پیوست



گذشته جذب کرد که «شبنم علیخانی» پاسور و «نگار کیانی» لیبرو، «ندا چملاذیان» پشت خط زن، «پوران زارع»، «تهمینه درگندی» و «مهسا صابری» قدرتی زن و «فاطمه حسنی سعدی» دریافت کننده قدرتی برای سایپا در ان فصل بازی کردند. «فاطمه بودش»، «غزاله نوروزی» و «غزاله نجاتی» دیگر بازیکنان این تیم را تشکیل می دهند.

سایپا در فصل گذشته قهرمان لیگ برتر والیبال زنان شد و به عنوان نماینده کشورمان در مسابقات قهرمانی باشگاه های زنان آسیا شرکت می کند.

مونا آشفته عضو تیم ملی والیبال زنان برای حضور در لیگ برتر فصل آینده به تیم سایپا پیوست.

مریم هاشمی سرمربی تیم والیبال بزرگسالان سایپا تصمیم گرفت تا مونا آشفته بازیکن تیم ملی والیبال زنان ایران طی قراردادی رسمی به تیم والیبال بزرگسالان سایپا بپیوندد.

پشت خط زن گلستانی فصل قبل را در تیم البستان اسپور در لیگ ترکیه بازی می کرد. او جوانترین لژیونر حال حاضر ایران در رشته والیبال به شمار می آید. تیم والیبال زنان سایپا ملی پوشان زیادی را در فصل

مطابق معمول سنوات گذشته، صدر جدول از آن مازندرانی ها شده و بعد از مازندران به ترتیب تهران، خوزستان، فارس، کرمانشاه، فارس و... قرار دارند. در جدول برترین های کشتی کشور شاخص های مختلفی مورد توجه قرار گرفته اما در مجموع استان هایی که کم و بیش در هر دو رشته آزاد و فرنگی فعالیت داشته و در یک کلام اهتمام و جدیت خود را معطوف به پیشبرد اهداف در هر دو عرصه م کرده اند، موفقیت بیشتری داشتند.

حرف آخر

تصمیمات با الگوبرداری از اروپا، امکانات در حد زیر صفر؛

جان می دهیم، جام نمی دهیم!



محمدعلی زاده آقاشتی  
خبرنگار

پس از تصمیم به ادامه برگزاری مسابقات فوتبال، حالا عواقب این تصمیم غیر مسئولانه گریبانگیر وزارت ورزش، فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ شده است. در اقدامی عجیب، افرادی که برگزاری بازی های لیگ ایران را با اسپانیا، آلمان و انگلیس مقایسه کردند، اما حالا باید پاسخگوی این تصمیمشان باشند. مثل اینکه برایمان عادت شده است، که بدون فکر و فقط برای نفع شخصی تصمیم بگیریم. نه امکاناتی در حد و اندازه های کشور های نام برده داریم و نه مسئولانی به لیاقت و کاردرستی آن ها، اما به وقتش که بحث نفع شخصی در میان باشد، فقط با الگوبرداری های نامتوازن و بی فکری های مثال زدنی، فوتبال ایران را به نابودی کشانیدیم! روزانه صدها نفر در ایران عزیزمان جانشان را از دست می دهند، اما بازهم متوجه نشدید که کرونا با کسی شوخی ندارد، مشهور و ناشناس نمی شناسد و ورزشکاران هم مانند عموم مردم در خطر هستند.

کرونا همچنان جان می گیرد اما اینجا دوستانمان فقط به فکر جام گرفتن هستند، درست است، تنها چیزی که در این فوتبال، برایش ارزش قائل نیستند «جان آدمیزاد» است.

یک مسابقه فوتبال در لیگ برتر ایران بیش از ۱۵ مبتلا به کرونا داشته است، فولاد-استقلال فعلا دو قربانی اصلی برگزاری لیگ کرناوی هستند، عمق فاجعه زمانی مشخص می شود که استقلال در تهران با سایپا هم بازی کرده است و فولادی ها در تبریز به مصاف ماشین سازی رفته اند و این هفته هم در جم و قائمشهر این دو تیم به مصاف حریفانشان می روند، به همین سادگی شش تیم را درگیر بحران های وحشتناک و خودساخته ای کرده ایم، حالا خود بازیکنان هیچ، خانواده های آن ها هم درگیر این فاجعه شدند.

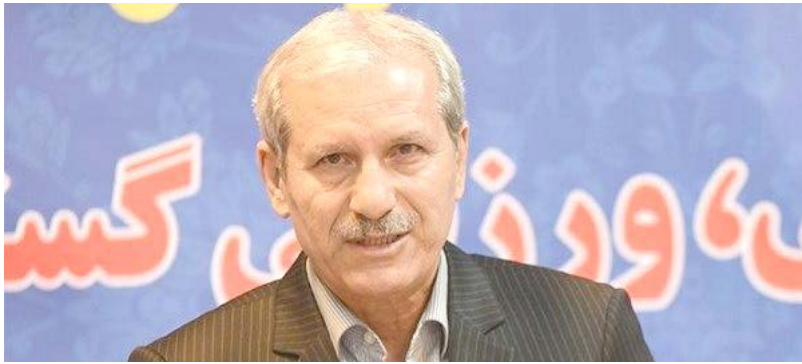
بله، یونسلیگا، لیگ جزیره و لالیگا آغاز شد، اما شیوع ویروس کرونا و شمار مبتلایان و مرگ و میر در کشورهایشان با ایران قابل مقایسه است؟ در همه کشور های نام برده شده، شیب شیوع این ویروس کاملا نزولی است، اما حالا که در موج دوم شیوع کرونا در کشور راه افتاده است، باز هم می خواهید این لیگ را ادامه دهید؟ این ها همه اولین پانک کرونا به فوتبال ایران است، قطعا پس از چندین هفته عواقب بدتری از این ویروس وحشتناک برای فوتبال ایران به وجود می آید. باور کنید، اگر فقط یکی از بازیکنان فوتبال، جانش را به خاطر کرونا از دست بدهد، خود سرخپوشان هم شیرینی جام برایشان به تلخی زهر تبدیل می شود. پس به جان مردم رحم کنید و این لیگ پرخطر را تعطیل کنید، یک جام فلزی ارزش این همه تلفات را ندارد...



گزارش

«دنیای هوادار» بررسی می کند؛

کمیته تدوین مقررات یا کمیته کیپی+ پیست؟!



سیدرضا فیض آبادی  
نویسنده و روزنامه نگار

شما اگر بخواهید یک بازار روز تره بار را مدیریت کنید یقینا برای هر غرفه دنبال افراد خبره همان محصولی که می خواهد ارائه کند می روید. بازار روز شهرداری محل ما مثل همه جا شامل بخش میوه، سیفی جات- سیب زمینی و پیاز، مرغ و گوشت، لبنیات و سبزی، کاهو و کرفس است! اگر سبزی فروش را یک روز به قصابی منتقل کنید و قصاب را به میوه فروشی ضمن اینکه آن روز بیشترین ضرر را به شما خواهد زد چنان داد مردم در آید که به تعطیلی غرفه ها منجر شود. حتی گفتمان قصاب و سبزی فروش با مردم متفاوت است و هرکدام ادبیات خاص خود را دارند؛ مثلا یک قصاب هرچقدر هم باهوش باشد در غرفه سیفی جات اگر مجبور شود یک روز فعالیت کند مدام دنبال ساطور می گردد و اگر چغندر روی میزش باشد با ساطور چند تکه می کند!

این را مثال زدم که جزو ساده ترین مشاغل جامعه است. با این وجود، افراد هر غرفه باید تخصص اولیه محصولات مورد نظر را داشته باشند. روز جمعه که «هوشنگ نصیرزاده» پرده از افتتاح کیپی+ پیست کمیته تدوین مقررات یا حقوقی فدراسیون فوتبال برداشت و گفت که دوستان با آن همه ادعا اساسنامه فدراسیون فوتبال کویت را گرفته و با تغییر چند اسم و کلمه همان صفحات را تحت عنوان اساسنامه فدراسیون فوتبال ایران به فیفا ارسال کرده اند، ابتدا تصور کردیم به طنز می گوید، چون جناب نصیرزاده گاهی از زبان طنز برای بیان نظراتش استفاده می کند. البته گویا

دوستان در کیپی+ پیست ید طولایی دارند! چون آیین نامه نقل و انتقالات و انضباطی فیفا را عینا برگردان کرده اند برای فدراسیون فوتبال، در حالی که فیفا کشور نیست که تیم داشته باشد و آیین نامه نقل و انتقالات داشته باشد و آیین نامه انضباطی فیفا هم به صورت کلی برای همه کشورها نوشته شده منتهی چون بحث انضباطی کشورها متفاوت است باید هر کشور براساس موارد و مسائل داخلی این آیین نامه را بومی سازی کند؛ البته بدون آنکه ارکان اساسی آیین نامه اصلی بهم بریزد و نهایتا آن را برای فیفا ارسال کند. درباره اصل موضوع می گفتم و بحثی که در برنامه «ورزش مردم» داغ بود. وقتی عین نامه انضباطی فدراسیون را روی مانیپیتور انداختند به عمق فاجعه پی بردیم. در شغل رسانه همین حالا وقتی یک خبر از فدراسیون و یا نهادی و سازمانی برای دفتر نشریه ارسال می شود اول از همه خبرنگار نگاه می کند و خبر را درست می کند و بعد دبیر گروه آن را تطبیق می دهد و تا از درست بودن خبر اطمینان حاصل نکند، محال است روی خروجی بفرستد.

هیچ خبری بدون ذکر منبع روی خروجی نخواهد رفت. اینجا هم کیپی+ پیست هست ولی اگر ابتدا بنویسیم به گزارش خبرنگار خودمان و در ادامه بنیم فلان خبرنگاری ادامه داد، نشانه عدم تسلط و دستپاچگی ماست که می خواهیم خبر را اختصاصی و تولیدی به نام خودمان بنیمیم و غافل از اینکه دستمان رو می شود. چطور آقایان با این همه دبدبه و کبکبه و نیروهایی که در کمیته تدوین مقررات دارند به خود زحمت ترجمه یک متن را نداده اند و از آئین نامه «فدراسیون فوتبال کویت» کپی کرده و عینا همان را به فیفا ارسال کرده اند؟! اگر نیروهای حاضر در این کمیته اشتباه

کرده باشند دست آخر رئیس کمیته باید اصلاحات را انجام دهد و سپس ارسال کند. یا به قول معروف همان «ادیت نهایی». حتی پس از مسئول کمیته، باز یک شخص بالاتر در دبیرخانه باید بررسی نهایی را انجام دهد! بخش خنده دار و البته گریه دار ماجرا اینجاست که حتی لوگوی فدراسیون فوتبال کویت را هم تغییر نداده اند و گند کار جایی درآمد که در صفحه دوم نیامدند به جای فدراسیون فوتبال کویت (KFA) از KFA استفاده کنند، اکنون این پرسش را باید مطرح کنیم که آیا دوستان با الفبای فوتبال آشنایی دارند؟ اگر سواد و آشنایی با الفبا و اصول اولیه را دارند که نباید چنین گافی از آن ها سر بزنند و اگر هم مسلط به حقوق بین الملل فوتبال هستند، پس چه احتیاجی است که یک متن را بدهند دارالترجمه برایشان به لاتین در بیاورد؟ طبیعی است که دارالترجمه به صورت کامل رسمی و خشک و عین جملات را برگردان به لاتین یا لاتین به فارسی می کند، حال آنکه زبان فوتبال و زبان ورزش با زبان تجارت خیلی متفاوت است. هر کدام از کلمات در ورزش یک مفهوم خاص خودش را دارد و یقینا دارالترجمه مقصر نیست؛ چون آن ها مثل ماشین و همین ترجمه گوگل عین کلمات را به شما تحویل می دهند.

حالا که تمام پرونده های باز شده علیه ایران در فیفا به ضرر ایران تمام می شود و افتتاح جهانی کیپی+ پیست اساسنامه کویت بار آمده، بهتر نیست یکی دو کارشناس کاربلد و مسلط را در این حوزه جانشین براتی کنند؟ تعجب می کنیم در روابط بین الملل فدراسیون یک خانمی مسلط به امور بین الملل ورزش و با تسلط بر زبان انگلیسی به نام سرکار خانم اسدی سال ها در کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال بهترین عملکرد را داشته و چطور از ایشان برای این امور بهره نمی گیرند و گفته شده یک تیم از دوستان و خویشان آورده اند تا کاری درست و بی عیب و نقص انجام دهند! این بود معنای کار بی عیب و نقص؟

این دوستان را از نزدیک ندیدیم و هیچ مشکلی با ایشان هم نداریم ولی فرآیند کارهایی که کرده اند بیانگر بی اطلاعی و عدم تسلط بر کار مورد نظر است و از آنجا که منافع ملی ارجح بر هر شخص و مقامی است، پیشنهاد می کنیم تا دسته گل های بیشتری به آب نداده اند، تغییر و تحولات لازم را اعمال کنند. برای ایران بزرگ با این همه افراد فوتبالی که هم تخصص دارند و هم زبان بلدند و هم به حقوق فوتبال احاطه دارند، حیف است که افرادی غیر مطلع را بیاورند و اینگونه با آبروی ملی بازی کنند. مجددا عرض می کنیم که به شخصیت حقیقی دوستانی که در کمیته فوق هستند احترام می گذاریم ولی عزت و آبروی ملی را بر همه افراد و اقوام و دوستان ارجح می دانیم...

روز جمعه که «هوشنگ نصیرزاده» پرده از افتتاح کیپی+ پیست کمیته تدوین مقررات یا حقوقی فدراسیون فوتبال برداشت و گفت که دوستان با آن همه ادعا اساسنامه فدراسیون فوتبال کویت را گرفته و با تغییر چند اسم و کلمه همان صفحات را تحت عنوان اساسنامه فدراسیون فوتبال ایران به فیفا ارسال کرده اند، ابتدا تصور کردیم به طنز می گوید، چون جناب نصیرزاده گاهی از زبان طنز برای بیان نظراتش استفاده می کند. البته گویا دوستان در کیپی+ پیست ید طولایی دارند!